





می‌گردد.

۶- راپسودهای مجارستانی

لیست ۱۵ راپسودی مجارستانی برای پیانو (که چهار راپسودی دیگر پس از آن به چاپ رسید) تصنیف کرد که در آنها اشعار، آرزوهای احساساتی و پاره گفتارهای پرشور موسیقی کولیان را جای داد.

نمونه این راپسودها *divertissement a la hongroise* (سرگرمیها یا رقصهای مجارستانی) برای دو پیانو اپوس ۵۴ از شوپرت است که لیست نه تنها از آن برای فرمی از فانتزی آزاد الهام گرفته، بلکه موسیقی خود را بر مبنای موسیقی مجارستانی تصنیف گرفته است.

به هر تقدیر، لیست شکل راپسودی را باب کرد و این اصطلاح را رواج داد که در اصل *Tomaschek* آهنگساز بوهمی (۱۸۵۰ - ۱۷۷۴) نام راپسودی را در موسیقی وارد کرد و شش راپسودی برای پیانو نوشت.

لیست راپسودیهای خود را بین سالهای ۱۸۵۱ تا ۱۸۵۴ با مطالعه در موسیقی فولکلوریک و ملی مجارستان تصنیف کرد.

این راپسودها نهادی هماهنگ دارند: که از حالتی نفس گیر میان لاسان *Lassan* (یک موسیقی آرام و خسته) و فرسکان *Friskan* (موسیقی شاد و پرشور) برخوردارند و لیست استعداد و ذوق خود را با موسیقی احساساتی کولیان پیوند داده است.

این راپسودها پیوسته حالتی دراماتیک دارند که گاه پرزرق و برق و گاه کم عمق می‌شوند. اما در کل فوق العاده تأثیر گذارند و قلب را به ضربان وامی دارند.

راپسودیهای دوم، پنجم، نهم، دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم از مهم ترین آثار لیست به شمار آمده‌اند، اما در واقع راپسودی دوم از همه مشهورتر است که اثری آتشین، سبزنده و نفس گیر است و حالتی دراماتیک دارد. راپسودی دوم گیرایی و جاذبه‌ای ویژه دارد و راپسودی پنجم تا اندازه‌ای صریح‌وار عرضه می‌شود و در واقع نهادی غم‌آور دارد.

راپسودی نهم عنوان فرعی کارناوال پس *(Carnaval de Pesth)* را به خود می‌گیرد و کیفیت فریاد از طرب و سرخوشی یک بازار مکاره را ارائه می‌دهد.

راپسودی دوازدهم به خاطر روح دلآوری و آمرانه درخشانش که از سوی پیانو ساطع می‌گردد، از دیگر راپسودها متمایز می‌شود.

راپسودی سیزدهم نهادی شرقی ندارد، و در آن پاساژهای آرام و فریبا گنجانده شده است.

راپسودی چهاردهم که احتمالاً فصیح‌ترین راپسودی لیست به شمار آمده است، از یک فانتزی مجارستانی برای پیانو و ارکستر تصنیف شده است.

شش راپسودی از این راپسودیهای مجارستانی، راپسودیهای ۲، ۵، ۶، ۹، ۱۲ و ۱۴ توسط لیست و فرانتس دوپلر *F. Doppler* آهنگساز لهستانی - مجارستانی برای ارکستر تنظیم شده است.

کلید توشیحی راپسودی شماره ۱ در می‌ماژور، شماره ۲ در دو دیز مینور، شماره ۳ در سی بمل ماژور، شماره ۴ در می بمل ماژور، شماره ۵ در می مینور، شماره ۶ در ریمل ماژور، شماره ۷ در ریمینور، شماره ۸ در فادیز بمل ماژور، شماره ۹ در سی بمل ماژور، شماره ۱۰ در می ماژور، شماره ۱۱ در لامینور، شماره ۱۲ در دو بمل مینور، شماره ۱۳ در لامینور، و شماره ۱۴ در فامینور

۷- راپسودی اسپانیول از موریس راول *M. Ravel* آهنگساز فرانسوی (۱۸۱۰ - ۱۸۷۵)

راول در شهر کوچک یاسک *Giboure* که فاصله اندکی تا مرز اسپانیا دارد، زاده شد.

فرهنگ اسپانیایی از این رو مصادی رضایی و معنوی راول بود و او پیوسته با نوای لالایی اسپانیایی به خواب می‌رفت و اسپانیا هرگز جذب و افسون خود را برای او از دست نداد، و برخی از زیباترین آثار راول مفهومی اسپانیایی دارند که راپسودی اسپانیول از مشهورترین آنهاست.

آندره سوره *(Andre saure's)* در تفسیر این راپسودی نوشت:

«راول در تصنیف این اثر مایه‌ای از گویا *Goya* نقاش اسپانیایی دارد. من اسپانیا را در هر بخش از آثار راول تمیز داده‌ام - این مرد کوچک انجام آن چنان تلخ و حساس بود که در یک زمان، مقنوم و پایدار و غیر قابل انعطاف و در زمانی دیگر نوازشگر و انعطاف پذیر می‌نمود. زبان فرانسه را با لهجه اسپانیایی تکلم می‌کرد.»

راپسودی اسپانیول توسط ارکستر کولون *Colonne* در ۱۵ مارس ۱۹۰۸ به اجرا درآمد اگرچه تندی آن از آثار دبوس به دور بود، اما منتقدانی چند راپسودی راول را خاطرهای از ایبریا *Iberia* اثر آلبنیز *Alboniz* آهنگساز اسپانیایی دانستند و این شباهت را مردود پنداشتند. با این همه، در نزد دوستداران موسیقی فرانسوی این راپسودی راول را اثری فرانسوی به شمار آورده‌اند.

راپسودی راول چهار بخش دارد:

بخش اول *Prelude ale Nuit* بخش دوم *Habanera* بخش سوم *Malaguena* بخش چهارم *Feria*

۸- راپسودی روی تم پاکابینی *Paganini* از سرگئی راخمانینف *Sergey Rakhmaninov* (آهنگساز روس) (۱۹۴۳ - ۱۸۷۳)

این راپسودی به گونه تم و واریاسیون برای پیانو و ارکستر تصنیف شده است که البته پیش از راخمانینف، برامس و



لیست نیز بر اساس همین تم پاگانینی راپسودیهای نوشته بودند.

راخمانینف در راپسودی خود از ۲۴ واریاسیون روی تم ساده پاگانینی سود جست است که اجرای این تم کوچک و ساده را تمام ارکستر بر عهده می‌گیرد و پس آن گاه پیانو نوای خود را سر می‌دهد.

در واریاسیون هفتم پس از نوای ویولون سلها و باسون، بار دیگر پیانو آهنگی به گونه دبیس ایرائه *Dies Irae* یا روز خشم (*Day of Wrath*) که بخشی از رکویم مس یا آهنگی آواز گروهی در کلیسای کاتولیک انگلستان است و در سمفونی فانتاستیک برلیوز و دانس ماکابره *Dan se Macabre* سن سان *Saint - saens* آمده است سر می‌دهد.

دیس ایرائه در واریاسیون دهم بار دیگر خودنمایی می‌کند و در واریاسیون پانزدهم اوبوا و سازهای زهی یک ملودی آرام و رمانتیک ارائه می‌دهد و پس آن گاه پیانو نوای خود را به گوش می‌رساند که در واریاسیون هجدهم دل‌نوازانه گسترش می‌یابد.

در واریاسیون بیستم راپسودی تغییر لحن می‌دهد و نوای تند بخش آخر را به پایان می‌آورد.

در واریاسیون ۲۴ دیس ایرائه باز هم پدید می‌آید و بدین گونه راپسودی راخمانینف پایان می‌گیرد.

۹- راپسودی در آبی *Rhapsody in Blue* از جورج گرشوین *George Gershwin* نوازنده پیانو و آهنگساز آمریکایی (۱۸۹۸ - ۱۹۳۷)

شاهکارهای موسیقی گرشوین آن چنان شهرت دارند که در این میحث فقط به حقایق چشمگیر درباره او اشارتی خواهیم داشت.

پل وایتمن *Paul Whitman* در کنسرت‌های خود در ۱۲ فوریه ۱۹۲۴ در اولیان هال *Aeolian Hall* نخستین اثر گرشوین را به اجرا گذاشت.

پیروزی کنسرت وایتمن نام گرشوین را در سراسر جهان پر سر زبانها افکند. دیمز تیلر *Deems Taylor* نوشت: «راپسودی گرشوین ملودی و احساس هارمونیک را به شنونده القا می‌کند که جاکي از قدرت آشکار او در ریتم به‌شمار می‌آید. مضافاً آنکه راپسودی او نه تنها در پارتیتور، بلکه در بیان نیز یک موسیقی جاز است.

هنری فینک *Henry Finck* گفت گرشوین از موسیقی شوپنرگ، مبلو و اینو گرایان بسیار برتر است و هنری او اوستگود مصرأ می‌گفت که موسیقی گرشوین از موسیقی پرستش بهار استراوینسکی غنی‌تر است.

راپسودی گرشوین ابتدا برای تکنوازی پیانو، دو پیانو و هشت پیانو، تکنوازی هارمونیکا (ساز دهنی) در ارکستر هارمونیک، ارکستر ماندولین و برای کر تصنیف شده بود.

از این راپسودی برای اجرا در صحنه نمایش و یا سینما نیز بهره گرفتند.

جک دو ناهو *Jack Donahue* این موسیقی را در رقص استپ (*Tap Dance*) و باله نیز در کار گرفت.

در ۱۹۴۲ راپسودی گرشوین توسط ارتور و توسکانینی و ارکستر سمفونیک *NBC* و پس از آن با ارکستر سمفونیکهای امریکا تحت رهبری تنی چند از رهبران برجسته به اجرا درآمد.

به‌رغم نقصهای تکنیکی در راپسودی گرشوین، موسیقی آن با سرزندگی بی‌وقفه‌ای جای این نقصها را پر می‌کند که امروزه نیز از تازگی و جاذبه‌ای برخوردار است به‌گونه‌ای که حس می‌کنیم داریم آن را برای نخستین بار می‌شنویم.

دوناھو می‌نویسد: «تمهای اصلی این راپسودی به سوی نیرویی فوق‌العاده سر می‌کشد، چرا که از نیوغ واقعی گرشوین مایه می‌گیرند به‌گونه‌ای که هر وقت به آن گوش می‌دهیم جرقه‌ای گرمازا از آن فوران می‌کند. مثلاً وقتی در آغاز آن کلارینت ناله خود را سر می‌دهد، تکنیک جدیدی ارائه می‌شود که گرشوین در این راستا خود را مدیون راس گورمن *Ross Gorman* نوازنده کلارینت می‌داند. در واقع میزانهای آتشین اشتراوس در دون ژوان در این تم آغازین حضور پیدا می‌کنند و به موسیقی دنیامیسی غیرقابل مقاومتی تن درمی‌دهند.»

اما سوای این برتری، موسیقی راپسودی گرشوین با گامهایی نیرومند از آغاز نغمات کلارینت به کودای هیجان‌آوری سر می‌کشد و راپسودی را به پایان می‌آورد.

این کودا هرگز در یکنواختی سترنگون نمی‌شود. چرا که موسیقی آن از میزان آغازین تا انتها تنشهای رفیعی را چون جریان الکتریک با سرزندگی ارائه می‌دهد، به‌گونه‌ای که راپسودی حالت و اتمسفری جوراچور پیدا می‌کند. در واقع راپسودی گرشوین به‌طور درخشان از بذله و طنز برخوردار می‌شود، اما برتر آنکه در این اثر لحظاتی از درامی نیرومند و درون‌گرایانه نهفته است و در کاخزای پیانو لحظاتی از زیبایی و ظرافتی فراموش‌نشده در بخش آهسته آن خودنمایی می‌کند.

مهم‌تر از همه، راپسودی گرشوین بیانی موسیقایی آمریکایی است. آن چنان مؤثقاله و با تنش ارائه می‌شود که وقتی ما به آن گوش فرامی‌دهیم، انگار تمام وجودمان در آن نهفته و درگیر شده است.

وقتی داستان زندگی گرشوین را به‌گونه درام در سینما به نمایش گذاشتند، نام فیلم را راپسودی در آبی یا راپسودی در جامه آبی (*Rhapsody in Blue*) اعلام داشتند.

باید خاطر نشان کنیم که فصد از کلمه «بلو» آبی نیست، بلکه غرض بلوز (*Blues*) یعنی آوازهای ویژه سیاهان آمریکاست.